

پایه نهم

درس-هشتم : همزیستی با مام میهن

لحن: میهنی/وطنی

این لحن را می توان زیرمجموعه ای از لحن حماسی دانست. این لحن کوبنده است و در مواردی هم تحت تأثیر الحان دیگر قرار می گیرد. خواننده باید با شور و حرارت، غیرت ملی و حس همدلی را در شنونده بیدار سازد.

همزیستی: زندگی مسالمت آمیز/ مام: مادر/ لحن: شیوه ی بیان، نحوه ی ادای کلمات و عبارات و متون و اشعار مام میهن: آرایه اضافه ی تشبیهی

دل گرم داشتن به کسی یا چیزی: کنایه از امید داشتن به آن/ جان گرفتن: کنایه از نیرو گرفتن - قوت گرفتن خوشی و ناخوشی: تضاد

پرتو: نور، روشنی/ گوارا: زلال/ می بالند: رشد می کنند، بزرگ می شوند/ آوند: رگ، لوله هایی که آب و غذا را در گیاهان می رسانند.

مادر، گرامی گوهری است: تشبیه - مادر به گوهر تشبیه شده به لحاظ ارزشمندی / کارگاه آفرینش: اضافه تشبیهی/ بزرگ شمردن و عزیز داشتن: کنایه از حرمت نهادن و احترام گذاشتن/

مام میهن: اضافه تشبیهی، مادرانه رفتار می کند: تشبیه دارد/ رفتار کردن میهن: تشخیص

چشم میهن: تشخیص ریشه ی وجود: اضافه تشبیهی / رنگ - نژاد - لهجه - گویش - زبان: مراعات نظیر

منظور از مادر: میهن پرورندگی: پرورش دادن/ همانند و هم نشین: تشبیه کردن/ دید: دیدگاه و نظر

هم پیوند: خویشاوند، قوم و خویش / باشندگان: ساکنین، شهروندان/ زاد و بود: کنایه از هست و نیست، تمام سرمایه

نژاد: اصل و نسب/ لهجه و گویش: زیرمجموعه های زبان/ دیده: چشم/

درآیید: وارد شوید/ گونه گونی و یگانگی: تنوع و در عین حال اتحاد و همبستگی - اشاره داره به وجود قومیت ها و نژادهای متعدد در یک سرزمین و وحدت آنها/

رنگ و رخسار: مراعات نظیر. رگ و ریشه: کنایه از وجود/ آبشخور: سرچشمه/ مایه ور: سرشار

گل های رنگین: استعاره از مردم یک سرزمین/ خار و گل: تضاد/

در قسمت "خارها و گل ها فرزندان این مادرند": خارها و گل ها مانند فرزندان این مادر (میهن) هستند تشبیه داریم

ایران ما به گلستانی می ماند: آرایه ی تشبیه/ گویش و لهجه: مراعات نظیر/ دل و دامن ایران: تشخیص

رنگ و چهره: مراعات نظیر/ شیر ی جان: اضافه ی تشبیهی

نوا: دارایی، ثروت، مال، مقام/ ناله: درد، ناراحتی، غم/

کام: دهان

سند و داد: تضاد/ مادر و فرزند: مراعات نظیر/

خفاش: نماد جهل و تاریکی و نادانی

خفاش خویان : منظور: دشمنان و بد اندیشان

مهر رُخ مادر : تشبیه : چهره ی مادر به خورشید تشبیه شده

مادر : منظور: میهن

سند و داد : معامله ، تجارت/ جان فشانی : فداکاری و ایثار/ دوسویه : دو طرفه ، متقابل/ گزند : صدمه و آسیب

بی خویش : بی قرار/ بی شکیب : بی تاب و کم تحمل/ بجان کوشیدن : کنایه از صمیم قلب تلاش کردن

آرامستان : محل آرامش و آسودن/ مهر : خورشید

مهرآشیان وطن : اضافه ی تشبیهی ، وطن به آشیانه ی مهر تشبیه شده/ فریاد برآوردن کنایه از : اعتراض کردن

مشت گره کردن کنایه از : اعتراض کردن به چیزی/ پشت به پشت هم بودن کنایه از : متحد و پشتیبان هم بودن

تن سپر کردن : کنایه از حفاظت و پاسداری کردن

بدخواه : دشمن/ تاخته اند : حمله کرده اند ، یورش برده اند/ سپر : از ادوات جنگی ، وسیله ی دفاع در جنگ

شناسنده ی آشکار و نهان

همی خواهم از کردگار جهان

همه نیک نامی بود یار تان

که باشد ز هر بد، نگهدار تان

معنی دوبیت: از آفریننده ی جهان که از همه چیز آگاه بوده و غیب را می داند ، می خواهم

که از بلا و گرفتاری ها ، شما را محافظت کند و نیک نامی و خوشبختی همراهمان باشد.

(فردوسی)

مسلمان - مسیحی - زردشتی : مراعات نظیر/ ایران و آذری و بلوچ و ... : مراعات نظیر/ ایستاده اند کنایه از : مقاومت کردن/ جهان - نهان : جناس ناقص اختلافی/ ملت ایران به شیر تشبیه شده یا شاید هم غرش ملت ایران به غرش شیر تشبیه شده/ وجه شبه : غرش و فریاد بلند و منسجم/ ندای واحد برآوردن : یکصدا فریاد زدن

نشست : جای نشستن - مسکن و سرزمین/ زیر دست کسی بودن : کنایه است از تحت امر و فرمانروایی بودن

کنام - پلنگ - شیر : مراعات نظیر/ پلنگان و شیران : منظور: دشمنان و بدخواهان

پشتوانه : حامی و پشتیبان/ آوردگاه : میدان جنگ/ اهرمن خو : شیطان صفت/ می رهااند : نجات می دهد

خاک و آب و هوا : مراعات نظیر

پرورده اند : پرورش یافته اند/ آرمیده اند : به آرامش رسیده اند، آسوده اند/

رزم و پیکار و دلاورانه : مراعات نظیر/ انگشت به دهان کنایه از : شگفت زده و حیرت زده

شعر

ندانی که ایران، نشست من است جهان سر به سر، زیر دست من است

معنی: نمی دانی که کشور ایران اقامت گاه من است و تمام دنیا تحت فرمانروایی من است .

همه یکدلانند یزدان شناس به نیکی ندارند از بد، هراس

معنی: همه مردم ایران متحد و خداپرست هستند و از بدی ها ترس و هراسی ندارند.

دریغ است ایران که ویران شود کُنام پلنگان و شیران شود

معنی: حیف است که ایران از بین برود و آشیانه و جایگاه دشمنان شود.

چو ایران نباشد، تن من مباد در این بوم و بر، زنده يك تن مباد

معنی: اگر قرار است که ایران از بین برود، از خدا می‌خواهم که من هم نیستم و نابود شوم و هیچ کس دیگری در این سرزمین، زنده نباشند.

همه سر به سر، تن به کشتن دهیم از آن به که کشور، به دشمن دهیم

معنی: اگر همه کشته شویم بهتر از آن است که کشور ایران را به دست دشمن بسپاریم.

(شاهنامه ی فردوسی)

پاسخ خودارزیابی

۱- چرا میهن به مادر تشبیه شده است ؟

چون مادر گرامی گوهری است که در کارگاه آفرینش خدای مهربان ، همتایی ندارد.

۲- به نظر شما منظور از دوسویه بودن رابطه ی مادر و فرزند چیست ؟

اگر فرزند را ناخوشی روی نماید ، مادر بی خویش و ناخوش و ناآرام است و هرگاه مادر را اندوه و آسیبی فرا گیرد ، فرزندان نیز آرام و قرار ندارند.

۳- یک جامعه ی همدل چه ویژگی هایی دارد؟

به عهده ی دانش آموز

نکته ادبی: واژه های متضاد

متضاد: هرگاه دو یا چند کلمه از نظر معنایی، در تضاد و مخالف هم باشند، به آنها کلمات متضاد میگویند.

مانند:

آشکار و پنهان - شب و روز- سیاه و سفید - گل و خار- ترش و شیرین- خواب و بیدار

مثال در شعر:

هستند گفתי به غم بنشین یا از سر جان برخیز	« بنشین و برخیز: متضاد »
شادی ندارد آنکه ندارد به دل، غمی	« شادی و غم: متضاد هستند »
بگویم تا بداند دشمن و دوست	« دشمن و دوست: متضاد هستند »
اینکه گاهی میزدم بر آب و آتش، خویش را	« آب و آتش: متضاد هستند »

گفت و گو

به عهده ی دانش آموز

پاسخ نوشتن(تمرین ها)

۱- ده واژه ی مهم املائی متن درس را بیابید و بنویسید.

هم زیستی - لهجه - رخسار - فراخنای - عزیزکانی - آبخور - اقلیت - اهرمن خویان - صحنه های رزم - می غرند .

۲- در گروه ای اسمی مشخص شده ، هسته ، وابسته و نوع آن ها را بنویسید.

الف) فرزندان در پرتو گرم و گوار مادر، جان می گیرند.

ب) در همین دوران دفاع مقدس ، ایرانیان همه برای وطن ، تن را سپر کرده اند.

الف) پرتو: هسته / گرم: وابسته ی پسین. صفت بیانی/ گوارا: وابسته ی پسین. صفت بیانی - /مادر: وابسته ی پسین. مضاف الیه /

ب) همین : وابسته ی پیشین. صفت اشاره / دوران: هسته / دفاع : وابسته ی پسین . مضاف الیه / مقدس: وابسته ی پسین. صفت بیانی .

۳- پیام عبارت زیر را بنویسید.

« ایران ما به گلستانی می ماند که در دل و دامن خود، عزیزکانی را می پروراند و شیره ی جان خویش را در کامشان می دارد.»

یعنی ایران با تمام نعمت ها و ثروت هایش در خدمت فرزندان خود است و وطن مانند مادری است که به بچه های خود شیر می دهد و آن ها را می پروراند.

۴- جمله ها و بیت های زیر را از نظر رابطه ی تضاد معنایی واژه ها بررسی کنید و نتیجه را بنویسید.

*تا کی آخر چو بنفشه ، سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

بنفشه نماد غفلت و نرگس نماد بیداری: پس بنفشه و نرگس متضاد هستند/ خواب و بیدار : متضاد هستند.

*گر تکبر می کنی ، با خواجه گان سقله کن ور تواضع می کنی با مردم درویش کن

--تکبر و تواضع: متضاد هستند/ خواجه و درویش: متضاد هستند /

*به نزد مهان و به نزد کهان به آزار موری، نیرزد جهان

-مهان و کهان : متضاد هستند.

*... با آرامش آن آرمیده اند و در آشوبش بی قراری کرده اند.

--آرامش و آشوب : متضاد هستند / آرمیده اند و بی قراری کردند : متضاد هستند.

شعر خوانی: دور اندیشی / قالب شعر : مثنوی

کودکی از جمله آزادگان رفت برون با دو سه همزادگان

معنی بیت : کودکی از خانواده ی اصیل و نجیب با چند تن از همسالان خود به بیرون رفتند.

پای چو در راه نهاد آن پسر پویه همی کرد و درآمد به سر

معنی : وقتی آن پسر به راه افتاد ، دوید و با سر به زمین افتاد.

درآمد به سر : عبارت فعلی در معنی زمین خورد

پایش از آن پویه در آمد زدست مهر دل و مهره ی پشتش شکست

معنی : پایش به خاطر دویدن از جا درآمد (از کنترل خارج شد) و آن اشتیاق درونی از بین رفت و مهره های پشتش هم آسیب دید.

دانش های ادبی :

زدست در آمدن : کنایه از : بی اختیار شدن و کنترل خود را از دست دادن /

آن که ورا دوست ترین بود گفت در بن چاهیش ببايد نهفت

معنی : آن کس که برای او بهترین دوست بود گفت باید او را در ته چاهی پنهان کنیم.

تا نشود راز چو روز آشکار تا نشویم از پدرش شرمسار

معنی : برای این که راز همانند روز آشکار نشود و در پیش پدرش شرمنده نباشیم .

دانش های ادبی :

تشبیه در مصراع اول / و نیز جناس اختلافی بین واژگان (راز و روز) / و واج آرایی (ش) بر زیبایی های بیت افزوده است .

عاقبت اندیش ترین کودکی دشمن او بود از ایشان یکی

معنی : یکی از ایشان، عاقبت اندیش ترین کودک دشمن او بود.

گفت هماتا که در این همرهان صورت این حال نماند نهان

معنی : کودک گفت که یقیناً جریان این حادثه در میان این جمع پوشیده نخواهد ماند .

چون که مرا زین همه دشمن نهند تهمت این واقعه بر من نهند

معنی : تهمت این واقعه را به گرد من می اندازند زیرا مرا دشمن او می دانند .

نهند اولی = نامیدن و دانستن / نهند دومی = قرار دادن و گذاشتن

آرایه : جناس تام بین (نهند و نهند)

زی پدرش رفت و خبردار کرد تا پدرش چاره ی آن کار کرد

معنی : به سوی پدر او رفت و او را از این ماجرا آگاه ساخت تا اینکه پدرش ای کار را چاره کرد .

دانش های ادبی :

تکرار دو واژه ی (پدرش) و نیز وجود جناس اختلافی در دو واژه ی (دار و کار)

به زیبایی بیت افزوده است و هم چنین واژگان (خبردار و کار) باهم قافیه اند و (کرد) در هردو مصراع ردیف اند

هر که در او گوهر دانایی است بر همه چیزیش توانایی است

معنی : هر کس که در وجودش گوهر دانایی وجود دارد بر انجام هر کاری برای او توانایی وجود دارد .

واژگان (دانایی و توانایی) قافیه اند و (است) ردیف .

دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود.

معنی :دشمن دانایی که برای روح انسان غم و اندوه باشد بهتر از آن دوستی هست که نادان باشد .

مخزن الاسرار- نظامی

تهیه کننده : محمد امین گرگانی دوجی - گنبد - تابستان ۹۹

کتابخانه دوجی . گنبد کاووس - ۰۹۱۵۱۴۳۷۴۵۱۰۹



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد